



متن کوتاه شدہ

افق

mikhanam.com

میراث‌نامه	مورث: ویکتور ماری، ۱۸۸۵-۱۸۰۲م
عنوان و نام پدیدآور:	Hugues Victor Marie پروازان / ویکتور مورگو ترجمه‌ی محسن سلیمانی، تهران: نشر، ۱۳۸۸، ۲۲۳ ص
مشخصات نشر:	رمانهای جاویدان جهان
مشخصات ظاهری:	فروتنه
فروتنه:	شابک:
شابک دوره:	9-444-369-964-978
وضعیت فهرست‌سازی:	فهرست شده
پایه‌دانش:	عنوان اصلی: Les Misérables
موضوع:	داستان‌های فرانسه - قرن ۱۹ م
شاقه افزود:	سلیمانی، محسن، ۱۳۳۸ - مترجم
ردیفی کنگره:	۱۳۸۸ ب ۹ PQ TOTAL
ردیفی دیویی:	۸۲۳/۸
شماره کتابشناس ملی:	۱۳۱۴۳۲۸



این کتاب در نشر افق با قطع وزیری در مجموعه‌ی
«کلکسیون کلاسیک» نیز منتشر شده است.

مدیر هنری و طراح جلد: سعید زاشکانی
صفحه‌آرایی و نسخه‌برداری: انلیلی نشر افق

شابک: ۷-۵۲۴-۳۶۹-۹۶۴-۹۷۸

شابک دورو: ۱-۴۴۴-۳۶۹-۹۶۴-۹۷۸

چاپ پانزدهم: ۱۴۰۰، تعداد: ۳۰۰۰ نسخه

لینوگراف: سیب چاپخانه: چارگل، تهران

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤسسه‌ی نشر افق محفوظ است. هر گونه استفاده از کتاب آرایه‌ی و عناصر آرایشی و نیز تکثیر و تولید دوباره‌ی آن به هر شکل و شیوه، از جمله چاپ، کپی، صوتی، تصویری و الکترونیکی بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر پیگرد قانونی دارد.

تهران، ص. پ. ۱۱۲۵ - ۱۳۱۲۵ تلفن ۶۶۴۱۳۳۶۷

• info@ofoqbooks.com • ofoqbooks.com
• [ofoqpublication](https://www.instagram.com/ofoqpublication) • [ofoqpublication](https://www.facebook.com/ofoqpublication)

۱۱۰۰۰۰ تومان

افق
نشر

درباره‌ی نویسنده

ویکتور هوگو، شاعر، نمایش‌نامه و رمان‌نویس فرانسوی، در ۲۶ فوریه‌ی ۱۸۰۲ میلادی در بزانسون فرانسه به دنیا آمد. پدرش سرلشگر ارتش ناپلئون بناپارت بود و به همین دلیل همواره با خانواده‌اش از جایی به جای دیگر می‌رفت. ویکتور ده سال اول عمرش را در ایتالیا و فرانسه گذراند. ده ساله بود که مادرش از پدرش طلاق گرفت و با ویکتور و دو پسر دیگرش، در پاریس ساکن شد. هنگامی که هوگو تحصیلات ابتدایی‌اش را به پایان رساند، مادرش دوست داشت او در رشته‌ی حقوق تحصیل کند، اما ویکتور علاقه‌ای به وکالت نداشت و می‌خواست

نویسنده و شاعر شود.

پانزده ساله بود که اشعارش مورد توجه اعضای فرهنگستان فرانسه قرار گرفت. در هفده سالگی دو جایزه از اداره‌ی آموزش و پرورش تولوز فرانسه دریافت کرد و در همین سال با برادرانش مجله‌ای ادبی منتشر کرد که این کار تا سه سال ادامه داشت. و باز در همین سال قصد داشت با دختر جوانی به نام ادل فوشه ازدواج کند که مادرش مانع ازدواج آنها شد.

نوزده ساله بود که مادرش درگذشت و یک سال بعد، هوگو نخستین مجموعه‌ی اشعارش را منتشر کرد. این مجموعه مورد پسند لویی شانزدهم، پادشاه وقت فرانسه قرار گرفت و برای هوگو هزار و دویست فرانک مقرری سالیانه برقرار کرد. به همین جهت هوگو در این سال توانست با ادل ازدواج کند و ثمره‌ی ازدواج‌شان پنج فرزند

بود که یکی از آن‌ها درگذشت.

مدتی بعد، نویسندگان مجله‌ای را که منتشر می‌کرد گرد هم آورد و جلسه‌هایی در خانه‌ی خود ترتیب داد و کم‌کم رهبری گروهی از ادبای جوان فرانسه را بر عهده گرفت و مکتب رمانتیسیم را پایه‌گذاری کرد.

در بیست و پنج سالگی، اولین نمایش‌نامه‌ی خود به نام کرامپول را نوشت و در سال ۱۸۲۹، زمان واپسین روز یک محکوم را منتشر کرد که حمله‌ای بود علیه مجازات اعدام در فرانسه. سه سال بعد هم رمان نوتردام پاریس (مشهور به گوژپشت نوتردام) را به چاپ رساند.

در سال ۱۸۴۱ عضو فرهنگستان فرانسه شد و چهار سال بعد به نمایندگی مجلس عالی قانونگذاری فرانسه برگزیده شد. دو سال بعد، دخترش لئوپولدین و دامادش با قایقی در رود سن غرق شدند و این حادثه تأثیر بسیار بدی

بر روحیه‌ی او گذاشت. از این پس هوگو به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی روی آورد و از سلطنت لویی فیلیپ حمایت کرد، اما وقتی در سال ۱۸۴۸ نظام سلطنتی در فرانسه سقوط کرد، طرفدار جمهوری شد و به نمایندگی مجلس فرانسه برگزیده شد. در مجلس به شدت از تحصیلات همگانی، لغو بردگی، لغو مجازات اعدام و فقر زدایی دفاع کرد. به علاوه با انتشار مقاله‌هایی شورانگیز، راه را برای به قدرت رسیدن لویی ناپلئون هموار کرد، اما وقتی لویی ناپلئون در سال ۱۸۴۸ رئیس جمهور شد، مقامی به او واگذار نکرد و به همین جهت هوگو بسیار عصبانی شد.

چند سال بعد، وقتی ناپلئون کودتا کرد و قدرت را به چنگ آورد، هوگو در مجلس به مخالفت با وی پرداخت، اما بعدها از ترس دستگیری، با لباس کارگران به بروکسل و

از آن جا به جزیره‌ی ژرسیه و بعد هم به جزیره‌ی گرنیزه رفت و ۱۸ سال در تبعید ماند.

در حقیقت هوگو چهار رمان بعدی‌اش: *بینوایان* (۱۸۶۲)، *کسارگران دریا* (۱۸۶۶)، *مردی که می‌خندد* (۱۸۶۹) و *نود و سه* (۱۸۷۰) را در همین دوران نوشت. وقتی هوگو پس از تبعیدی طولانی به فرانسه بازگشت، فرانسویان با شور و شوق از او استقبال کردند و چندی بعد، او را به عنوان نماینده به مجلس ملی فرانسه فرستادند. در این دوران هوگو در اوج شهرت بود. فرانسویان نبوغ هنری، تأثیر بی‌مانند او بر ادبیات و مبارزه‌ی او برای آزادی مردم و هنر را می‌ستودند و هنگامی که در ۲۳ مه ۱۸۸۵ چشم از جهان فرو بست، او را همان‌گونه که آرزو داشت، در نعش‌کش فقرا تشییع کردند و هم‌چون قهرمانی ملی به خاک سپردند.

از هوگو تقریباً پنجاه اثر به یادگار مانده است که از آن میان رمان‌هایی که نشانگر انسان‌دوستی و علاقه‌ی او به زحمت‌کشان و فقراست، جایگاه ویژه‌ای در میان آثارش دارند. اما بی‌شک مشهورترین اثر و در حقیقت شاهکار او، رمان بینویان است.

در این کتاب خواننده با شخصیت‌های فراوان، حوادث متنوع و صحنه‌های رنگارنگ زیادی روبه‌رو می‌شود. شخصیت‌های این رمان، هم چون کوزت، ژان‌والژان، بازرس ژاور و... با این که کمی عجیب به نظر می‌رسند، سال‌هاست که در یاد خوانندگان این اثر باقی مانده‌اند. هوگو در بینویان، خشم و تنفر خود را نسبت به ظلم و بی‌عدالتی به نمایش می‌گذارد و به خواننده می‌آموزد که به جای فقیر، فقر را محکوم کند. به علاوه یادآور می‌شود که آدم‌ها توان تغییر را دارند، فقط باید به آن‌ها فرصت داد

که تغییر کنند.

نویسنده در بینوایان برای اولین بار احساسات آدم‌ها را با ریزی تشریح کرده است که این کار در زمان خود کاری نو بود. بینوایان تاریخ، جغرافیا، روابط اجتماعی و مسائل دوره‌ای خاص از تاریخ فرانسه را به طور شگفت‌انگیزی به تصویر می‌کشد. مثلاً تصویری که هوگو از نبرد واترلو، گروه‌های سیاسی دانشجویی، پایان سلطنت در فرانسه، زندگی زیرزمینی مردم و فاضلاب‌های پاریس در قرن نوزدهم ارائه می‌دهد، به یاد ماندنی و کم‌نظیر است.

م. س.